

معاون پژوهشی وزارت علوم در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

۲ درصد GDP را بدهند

برای رتبه‌سیزدهم تعهد محضری می‌دهم

ابوالفضل مظاهری-زهرارمضانی گروه‌دانشگاه

روند تولیدات علمی کشور برای نخستین بار در سال ۲۰۲۳ پس از تجربه صعودهای چشمگیری که ناظران جهانی را هم انگشت به دهان واداشته بود، کاهش شد. زنگ خطری که البته از مدت‌ها قبل به صدا درآمده بود، بالاخره سال میلادی گذشته خود را نشان داد. در خصوص تولیدات علمی، نگاه‌های متفاوتی در کشور وجود دارد؛ برخی معتقدند دوران نگاه‌های کمی به پایان رسیده و باید از اینجا به بعد با حفظ شرایط فعلی به کیفیت بپردازیم. برخی هم مانند معاون پژوهشی وزیر علوم معتقد هستند که راه برای رشد علمی ایران بازاست؛ هرچند با تدام حمایت‌های کم‌رَمق سسال‌های اخیر، از دست دادن همین جایگاه هم چندان دور از ذهن نیست. پیمان صالحی، چهره نام‌آشنای عرصه پژوهش کشور، از عوامل مختلفی گفت که در روند افت و خیز تولیدات علمی کشور مؤثر هستند. او که به قول خودش ۲۸ سال است در دانشگاه مو سپید کرده و تجربیاتی از معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید بهشتی تا ریاست مرکز طرح‌های کلان ملی فناوری و معاونت نوآوری و تجاری‌سازی فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری دارد، کلیدی‌ترین مسئله را در تغییر وضعیت فعلی، مسائل مالی عنوان می‌کند. آسیب‌شناسی این استاد برجسته را می‌توانید در مشروح گفت‌وگو از نظر بگذرانید.

■ ■ ■

پس از فراخوان نهضت نرم‌افزاری در دهه ۸۰، رشد چشم‌گیر تولیدات علمی را تجربه کردیم. روندی که تا اواخر دهه ۹۰ با کمی افت و خیز ادامه یافت، اما در سال‌های اخیر به‌نظر می‌رسد متزلزل شده است. در حال حاضر دو نگاه نسبت به کمیت مستندات علمی مان دیده می‌شود. یک نگاه معتقد است توان تولیدات علمی ما در حوزه مقالات بیش از تعداد کنونی است و در مقابل نگاهی مطرح است که می‌گوید مستف تولیدات ما همین مرز فعلی- حدود ۷۸ هزار مقاله مانند سال ۲۰۲۳ است و باید از الان به کیفی‌تر شدن تولیدات مان توجه کنیم. نگاه شما چیست؟ فکر می‌کنید اگر قرار باشد یک نگاهی رو به آینده طراحی کنیم، در چه مسیری باید گام برداریم؟

موضوع خوبی را مطرح کردید. چون موضوع اصلی گفت‌وگو ما ابلاغ سیاست‌های مقام‌معلم‌به‌ری است. من اشاره‌کنم به این سیاست‌های کلی که در بخش اولش، جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان، تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه‌پردازی، ارتقای جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و موضوعات اینچنینی مثل توصیه علوم پایه و تحقیقات بنیادی آمده است. این‌ها همه دستورات مقام‌معلم‌به‌ری بوده و ۲۸ سال است که من در پژوهش و فناوری مسئولیت اجرایی دارم و با این ابلاغیه‌ها زندگی کردیم. این‌ها دستور مقام‌معلم‌به‌ری است و باید اجرا شود. خوشبختانه یک بخش از آن اجرا شده است و خوب بخش‌هایی از آن هم اجرا نشده است. نگاه من به آن مدل اولی‌شما نزدیک‌تر است.

یک آمار حدودی بدهم؛ ۸۲ هزار هیئت علمی رسمی داریم. آقای دکتر مریخ (رئیس فرهنگستان علوم) عدد ۱۰۰ هزار نفر را ذکر می‌کنند که گاهی بعضی‌ها هم استفاده می‌کنند؛ آن عدد شامل قراردادی و حق‌التدریس و این‌ها می‌شود. پس ما یک ظرفیت ۱۰۰ تا ۱۰۸ هزار تایی ظرفیت علمی داریم. یعنی شما فرمودید ۷۸ هزار مقاله در سال ۲۰۲۳، ما هنوز به سرانه یک نرسیده‌ایم. پس ظرفیت ما خیلی بیشتر از این حرف‌ها است. یعنی ظرفیت ما از سرانه یک بیشتر است. اگر چه مقالات داخلی استحصار دارید که یک هزار و ۶۰۰ مجله داخلی داریم و حدود ۴۰ و خرده‌ای هزار مقاله داخلی هم در سال منتشر می‌شود. نظر من این است که ظرفیت ما بیشتر است. شاید استحصار دارید من در اولین جلسه‌ای که بعد از شهادت آقای رزینی بود در شورای انقلاب فرهنگی، گزارشی مفصلی از وضعیت علمی و فناوری در کشور دادم که پاسخ خیلی از موضوعاتی که شما مطرح کردید در آن گزارش من بود. الان این بحث ما این است که اصلاً این مقالات به چه درد می‌خورد؟ این سوال هنوز در خیلی جاها هست. ما مطالعات بسیار زیادی کردیم، مثلاً توسط مرکز تحقیقات سیاست‌های علمی کشور وروندی که در کشورهای مختلف در ارتباط مستقیمی که بین تولیدات علمی‌شان و خروجی‌های فناوری‌شان و وضعیت اقتصادی‌شان طی کردند، بررسی شده است. اعتقاد ما این است که سطوح توسعه فناوری، سطوح آمادگی فناوری به شدت واقعی و پیوسته هستند. سطوح آمادگی فناوری یک دو و سه‌اش می‌شود تولیدات علمی و بعدش این شود مالکیت فکری، بعدش هم می‌شود شرکت دانش‌بنیان و بازار. اگر این سرتون‌ها مال خودتان نباشد، ستون TRL های یک و دو سه و نه، نمی‌توانید خانه فناوری‌تان را بنا کنید. ما اسسال در چه سالی هستیم؟ باید رشد تولید داشته باشیم دیگر! پارسل هم رشد تولید بود. رشد تولید یعنی چی؟ رشد تولید یعنی بازار، محصول، تجارت. این جور که ما فهمیدیم، رشد تولید وضع اقتصادی است. پس رشد تولید واقعی مبتنی بر دانش بومی اگر می‌خواهید، باید به TRL های یک و دو سه نگاه کنید. بنابراین ما اصلاً مقاله چاپ نمی‌کنیم که مقاله چاپ کرد باشیم. شاید روزهای اول خیلی‌ها در این قضیه را نمی‌دانستند. ولی ما الان می‌دانیم و اتفاقاً در گزارشی که من دادم، خیلی جالب است، در حوزه‌های تولیدی که ما خیلی خوب عمل کردیم، در آن حوزه‌ها در تولید علمش هم قوی هستیم؛ در سلول‌های بنیادی، در بیوتکنولوژی، در نانوتکنولوژی، در دارو، در تجهیزات پزشکی، ما الان خیلی این حوزه‌ها را داریم که مقاله چاپ می‌کنیم. من اعتقاد دارم مقاله یک ارتباط مستقیم وجود دارد. بعضی از کشورها به آن می‌گویند قانون هزار، یعنی می‌گویند ۱۰ هزار تا مقاله می‌شود هزار تا تحقیقات بنیادین، ۱۰۰ تا می‌شود پایلوت، تا برسد به یک محصول بومی. پس ببینید توجه ما به مقاله، علاوه بر دستورات مقام‌معلم‌به‌ری که ایشان هم بر اساس همین چشم‌انداز این‌ها را پیش‌نهاد کردند. مقام‌معلم‌به‌ری همیشه ده‌ها سال از ما جلوتر هستند، تیم فعال دارند و بالاخره این‌ها را بررسی می‌کنند. هنوز هم ایشان تأکید می‌کنند، موردی که ایشان گفتند برای ارتقاء فشار روی مقاله نباورید، نه اینکه مقاله چاپ نکنید، گفتند برای ارتقاء ملت را گیر مقاله بیندازید، بگذارید بروند کارهای دیگر کنند، وگرنه نافی آن بحث‌های قبلی‌شان نیست. بنابراین ظرفیت ما خیلی بیشتر از این است. چشم‌اندازی که برنامه هفتم اعلام کرده، بالاخره برنامه هفتم قانون است و گفته آخر برنامه رتبه چهاردهم باشیم. بالاخره قانون را می‌نویسیم و اجرا می‌کنیم. ما مرتب داریم در رتبه‌های ۱۵ و ۱۶ می‌رویم و می‌آییم. پس ما الان چند سناری است منطبق شده‌ایم.

شش، هفت سال است که ما داریم در ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ سطح می‌شویم. من نمی‌گویم فاجعه‌ای اتفاق افتاده، ولی دلایل و عارضه‌های آن را هم می‌دانیم

در کشور چیست. من هشت سال در اکوسیستم فناوری بودم و شما هر جای TRL را بگویید، من بالاخره یک جاایی اش بدهام. یعنی می‌دانم در شرکت دانش‌بنیان چه اتفاقی می‌افتد. می‌دانم شرکت‌های دانش‌بنیان ما، دانش‌بنیان‌های واقعی ما بر اساس مطالعاتی که در کشور بوده، دارند کار می‌کنند. دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه هم که ذیل حوزه خودم است و دارم می‌بینم. یعنی من کاملاً اعتقاد دارم، بدون حرفی و توهمی که این‌ها نسبت مستقیم با هم دارند. جایگاه ما خیلی بیشتر از این هاست. به سید یک بین‌المللی هنوز نرسیده‌ایم و ظرفیتش را داریم.

برخی می‌گویند تعدادی از اساتید ما در حوزه معارف مشغول به فعالیت‌اند، بعضی دیگر در حوزه علوم انسانی هستند و بعید است در روند رشد بتوانند تأثیرگذاری داشته باشند. معتقدند اگر این موارد را در نظر بگیریم، توان ما در حوزه‌های قابل رقابت بیشتر از این نیست. اتفاقاً من می‌خواستم به اینجا برسم! اتفاقاً نقطه ضعف ما در سطح بین‌الملل در همین حوزه علوم انسانی است. من می‌گویم که در مهندسی، کشاورزی، پزشکی و علوم پایه وضع‌مان خوب است، بهتر از این هم می‌تواند باشد، ولی مثلاً ما در شیمی اگر بزندهم هستیم، این بازدهم را می‌توانیم چهاردهم کنیم. اگر در نانو مثلاً چهارم یا پنجم هستیم، همین را حفظ کنیم. می‌دانید در تمام کشورهای پیشرفته‌بیشترین مقالات برای حوزه پزشکی است، ایران هم همین طور است، منتها در آنجا عصری و سومی‌های علوم انسانی و اجتماعی است، اما علوم انسانی و اجتماعی ما می‌رود آن پایین‌ها. اتفاقاً موضوع همین است که این دغدغه من در این سال‌ها بوده و یک کارهایی هم کرده‌ایم. ما چرا نباید در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در سطح بین‌الملل وجود داشته باشیم؟ از یک هزار و ۶۰۰ مجله مورد تأیید وزارت علوم، ۹۰۰ تای آن علوم انسانی و اجتماعی است، پس ظرفیت را می‌بینید؟ ظرفیت داخلی ۹۰۰ از یک هزار و ۶۰۰ ما علوم انسانی و اجتماعی داریم. جنس علوم انسانی و اجتماعی چیست؟ جنس اش تاریخ است، فرهنگ است، اعتقادات است، نظریه‌پردازی و علوم وروانشناسی است. مشکلات تمام دنیا این‌هاست. مشکلات کشور ما هم همین‌هاست. فارسی هم که بنویسید هیچ‌کس نمی‌خواند، خیالتان راحت! فعلاً، حالا به زبان فارسی هم می‌رسم. بنابراین شما باید اثرتان را در استخراج علم جهانی افزایش دهید. یعنی مثلاً ما یک درصد جمعیت دنیا را داریم و الان ۲ درصد تولید علم می‌کنیم، ولی روی گردن علوم پزشکی و علوم پایه و فنی است. اتفاقاً ظرفیت نهفته و به فعلیت نرسیده ما علوم انسانی و اجتماعی است که من همه‌سال‌ها دنبال این قضیه بودم. خیلی مهم است. ما چندین بررسی کردیم که ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کردم. اسلام دغدغه کشورهای اسلامی و ماست دیگر. ما گزارش علمی، کلمه کلیدی «اسلام» را جست‌وجو کنید- من دارم راجع به مجلات علمی صحبت می‌کنم، اصلاً به تلویزیون و رادیو و فضای مجازی کار ندارم- مقاله علمی منتشر شده در یک نشریه‌ای که داوری شده، بیشترین مقاله در حوزه اسلام با اختلاف چند ده‌هزاری را آمریکا دارد. بعد می‌آید پایین انگلستان و کشورهای دیگر، ما آن آخرها هستیم. حتی قطر با این نسبت جمعیتی بیشتر از ما تولید کرده است. بروید ببینید رژیم اشغالگر قدس چقدر است. کیبود فلسطین را بزنید. بیشترین مقاله اول فلسطین بعد اسرائیل است. ما این ته این لیست هستیم. اصول دیگر اعتقاد ما، حضرت ولی‌عصر امام‌زمان که مال خودمان است! بروید ببینید ایرانی‌ها چقدر راجع به حضرت ولی‌عصر نوشند. من به شما می‌گویم در سطح بین‌المللی اگر شما کار نکنید، نشسته‌اید «خود گویسی و خود خندی!» اگر ما این جرم بحرانی را نتوانیم به بازار بین‌الملل ببریم، نمی‌توانیم از اعتقاداتمان دفاع کنیم. الان ببینید در دانشگاه‌های مختلف در روانشناسی چه درس می‌دهند؟ الان مبانی درمانی روانشناسی در دنیا بر اساس اعتقادات فروید است. اصلاً اعتقاد دین و مذهب و انسانیت در آن نیست، تمام مسائل جنسی است. ما چه زمانی رفته‌ایم اثر گذاشته‌ایم در روانشناسی یک چیزهای دیگر هم است. طبق مطالعاتی و بکتیدا بروید در کتاب‌های دنیا ببینید که چقدر مسلمانان و دانشمندان ایرانی روی روانشناسی دنیا تأثیر گذاشته‌اند؟! اتفاقاً تانسلیل نهفته ما در علوم انسانی است. ما در این سال‌ها نهضت نمایسازی راه انداختیم. دو حالت داشتیم. اولاً ما حمایت ویژه کردیم که مجلات بین‌المللی جدید در حوزه‌های علوم انسانی به زبان خارجی چاپ کنیم. برای اولین بار در تاریخ ایران، ما دو مجله در حوزه قرآن به زبان انگلیسی چاپ کردیم. این خیلی مهم است. در حکمت و فلسفه سه مجله سه‌زانه داریم در مؤسسه حکمت است. این‌ها را ما حمایت کردیم.

در نمایه‌سازی ما تا ابتدای دولت سیزدهم ۱۰۱ مجله را داشتیم، وزارت علوم الان ۷۲ تا اضافه کرده با سیاست‌های تشویقی. برای سردبیران و مدیران مسئول پایه تشویقی و جایزه مالی گذاشتیم. برای مجلات فارسی که نمایه اسکوپوس می‌گیرند ۵۰۰ میلیون تومان حمایت می‌کنیم. برای مجلات انگلیسی ۳۰۰ میلیون. برای تمام مجلات اسکوپوس قبلی که برای وزارت علوم و انجمن هستند ۲۰۰ میلیون هر سال می‌دهیم. پس داریم با این حمایت‌ها تشویق می‌کنیم. اتفاقاً خوب چیست؟ در این ۷۲ مجله جدید ۱۴ هزار مقاله در آنها چاپ شده است. من یک گزارشی دیدم که از تمام دنیا دارند برای مجلات ما مقاله می‌فرستند. این خیلی مهم است. وقتی شما می‌خواهید مرجع علمی شوید، باید فرام دست خودتان باشد. بندی دیگری در سیاست‌های کلی وجود دارد که شما خودتان مرجع این قضایا بشوید. تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی. یعنی این‌ها را گذاشته‌ایم جلوعمان و همه را در این ۱۰ سال داریم بند به بند پیش می‌رویم. چون می‌دانیم این‌ها کاملاً بر اساس مطالعات دقیق انجام شده است. این را هم اضافه‌کنم، خوشحالیم این چیزهایی که نمایه کرده ۳۱ درصدش فارسی است. آن بحث زبان فارسی را ما جدی داریم پیگیری می‌کنیم. من می‌گویم الان انگلیسی چاپ کنیم، نافی بحث من در فارسی نیست. ما از این طرف رفته‌ایم در DOAJ که برای ما بیش نیاز است. در سه سال گذشته ۲۵۰ مجله ما در DOAJ رفته‌اند، در آن‌هایی که دسترسی آزاد هستند. ایران در DOAJ سه سال پیش نهم بودیم، الان شدیم ششم و زبان فارسی یازدهم بوده، الان نهم شده است. پس ما آن‌ها را هم داشته باشیم.

شما به نهضت نمایسازی مجلات اشاره می‌کنید، ولی آمار مقالات ثبت‌شده ما در پایگاه‌های استنادی وزشی است. روند رشدمان متوقف‌شده در حالی که پیش از این میانگین رشدمان ۵ یا ۵ درصد بودیم. سال گذشته هم کاهش را تجربه کردیم. آمارش را کامل داریم. در وب آوساینس ما چهار هزار تا مقاله کاهش داشتیم. البته همه‌اش سهم وزارت علوم نیست. ما سهم داشگاه آزاد،

هم وزارت بهداشت و هم وزارت علوم را مشخص کردیم، ولی من دارم کشور را می‌بینم. مثلاً دو هزار تایش مال وزارت علوم است، ولی نسبت که می‌گیرید، نسبت به تعداد هیئت علمی که می‌گیرید کمتر است. وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد هم هستند، ولی من ملی دارم نگاه می‌کنم.

نکته‌ام اینجاست که با وجود این نمایه‌سازی که هم شما، هم وزارت بهداشت و هم دانشگاه آزاد دارند برای تقویت آن تلاش می‌کنند و سعی می‌کنند در این مسیر رو به جلو گام بردارند، اما عملاً تعداد مقالات و مستندات علمی ما افت کرده، علت چیست؟

از ایسن طرف اگر ما این کار را نمی‌کردیم که دیگر هیچی! بنابراین پیرو آن بحث که ما بشویم مرجع، داریم این مجلات را می‌بندیم و این‌ها به ما کمک کرد که رتبه‌مان را حفظ کنیم. البته دلایل مختلفی دارد. ما بارها گفته‌ایم که به شدت زیرساخت‌های تحقیقاتی ما فرسوده است و الان فاجعه‌آمیز شده است. در علوم پایه، فنی و مهندسی- چون این‌ها الان پیشران علم ما در سطح بین‌المللی هستند- یک‌سری تجهیزات پیشرفته حرف اول را می‌زنند. اگر این‌ها را نداشته باشید، نمی‌توانید از یک حدی بالاتر بروید و نمی‌توانید کیفیت مقالات‌تان را در مجلات ساینس و نیچر بالا ببرید. بارها هم گزارش دادیم. بحث دیگر، یک دفعه می‌آیند حقوق اعضای علمی را ۳۰ درصد کم می‌کنند. بحث انگیزه است. اگر چه ما بعداً سعی کردیم جبران کنیم، یک ضرایب اضافه‌شوند، ولی همان موقع منجر به دلسردی یک عده زیادی و مهاجرت یا هر چیز دیگری که هست شد. ما موضوع سنادکترا را در ایران جدی نگرفته‌ایم. بهترین نیروی تحقیق سنادکترا است. اصلاً در دنیا بالاتر از سنادکترا نداریم. استاد که وظایف خودش را دارد، آموزش دارد، مدیریت می‌کند، اساتید را که خیلی برای کارهای تحقیقاتی نمی‌فرستیم. دانشجوی فوق لیسانس که تازه دارد تحقیق را یاد می‌گیرد، دانشجوی دکترا هم که نصف‌اش درس دارد، مقاله می‌خواهد. مهم‌ترین عامل تحقیق در دنیا سنادکترا است که ما در طی سال‌های زیادی از آن بی‌توجهی کردیم. فرض کنیم الان ۱۵۰ هزار دانشجو دکترا داریم، روزی که ما این‌نامه سنادکترا را در شورای عتف مصوب می‌کردیم، سالانه ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر سنادکترا می‌گرفتم. ۱۵۰ هزار نفر آنجا، سالی ۱۵ هزارتا فارغ‌التحصیل ۵۰۰ نفرشان می‌رفتند سنادکترا. ما الان چهار نوع سنادکترا را راه انداخته‌ایم، امریه سربازی و حقوقشان را درست کردیم. الان رشد کرده که ما امیلواریم در انتهای ۱۴۰۳ یک آمار خوبی ارائه کنیم. الان فعلاً آمارمان به‌روز نیست ولی خیلی کار کردیم.

یک دسته‌بندی داشته باشیم. اگر قرار باشد در این عارضه‌یابی و آسیب‌شناسی از روند تغییرات تعدادی سندند داشته باشیم چند عامل پیدا می‌کنیم که خارج از دانشگاه و اکوسیستم علم و فناوری است؟ که در صحبت‌های شما یکی بوجه تحقیقاتی بود…

من به عنوان کسی که در این سه‌سال در وزارت علوم کار کرده‌ام، کلیدی‌ترین نقطه افت ما- با عده به شما می‌گویم- منابع مالی است. مقام‌معلم‌به‌ری افزایش بوجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی را مطرح کردند. ما روی هفت دهم و شش دهم هستیم. جالب است، کل بوجه وزارت علوم و دانشگاه‌هایش، یعنی وزارت علم با ۱۴۰ تا ۱۵۰ دانشگاه‌های که در حوزه وزارت هستند، سال گذشته یک میلیارد دلار بوده، یک میلیارد دلاری که بیش از ۹۰ درصدش حقوق است؛ خیلی کارمند و هیئت علمی.

و البته اینکه مدل پرداخت حقوقمان هم مطلوب نیست.

حالا آنها هم داستان خودش را دارد. در این مورد ما خیلی حرف داریم. ما مدل‌های زیادی را پیشنهاد کردیم. ما سال گذشته مدلی کاملاً بر اساس شایسته‌مسالاری، گفتیم کف را اینجوری کنید بر اساس شایسته‌مسالاری اصل پیشنهاد کردیم بروید. می‌روانید این‌ها بالاخره خراب نشد. طبق مطالعاتی که اخیراً انجام شده هیچ دانشگاهی که در بین ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان است، بوجه‌اش از یک میلیارد دلار کمتر نیست. ما از این طرف می‌گویم دانشگاه‌های ما بروند در ۱۰۰ دانشگاه برتر بعد از این طرف به ۱۵۰ دانشگاه‌گمان پول یک دانشگاه را می‌دهیم! خوب نمی‌شود! این یک عامل. یک عامل دیگر؛ من نمی‌خواهم بحث تحریم را خیلی بزرگ کنم اما تحریم باعث شده روابط بین‌الملل ما به هر دلیلی کاهش پیدا‌کند.

ولی مقالات مشترک بین‌المللی ما افت نکرده است و رشد محسوسی هم داشته است.

ان متوسط ۳۵ درصد است. تمام جمع بندی ما این است که اعضای هیئت علمی ما دارند معجزه می‌کنند. باورتان نشود. من نصف دنیا را هم رفته و دیدم، دارند معجزه می‌کنند. یعنی این امکاناتی که هیئت علمی ما دارد، این گرتنی که هیئت علمی دارد، این ارتباطات بین‌المللی ضعیفی که هیئت علمی ما دارد، با این منابع مالی که در اختیارش دارد، این پروتاد یک معجزه است. من اسمش را جهاد می‌گذارم. هر چه دلتان می‌خواهد اسمش را بگذارید! یعنی اعضای هیئت علمی ما دارند جهاد می‌کنند. واقعاً اینجوری است. هیئت علمی در خارج از کشور اراده می‌کند سالی بیست تا کنفرانس خارجی می‌رود. پنج تا ده تا کنفرانس بین‌المللی چیز خیلی عادی است. ما اگر هیئت علمی مان می‌خواهد برود، یک ویزا می‌خواهیم بگیریم و داستانش شروع می‌شود تا هزینه بلیت و فلان و بهمان. یعنی هیئت علمی ما کل گرتنش را بگذارد، یک کنفرانس نمی‌تواند برود. که البته ما این‌نامه تعاملات بین‌المللی را در تمام دانشگاه‌ها داریم مصوب می‌کنیم. طبق هم‌آیین‌نامه پژوهانه جامع که در برنامه هفتم هم آمده، هم آیین‌نامه تعاملات بین‌المللی کمکت می‌کند که یک اتفاق خیلی بزرگی بیفتد. اما با این اوضاع و احوال! سال گذشته با لطف مقام‌معلم‌به‌ری ۱۰۰ میلیون یورو از صندوق توسعه گرفته‌یم برای تجهیزات و همه را به دانشگاه‌ها دادیم. اتفاق خیلی خوبی بود ولی ما حداقل ۱۰ برابر دیگر این رقم نیاز داریم. من راجع به دانشگاه‌ها اجازه دهید با کلاه شش‌واری عتقم صحبت کنم. به دانشگاه‌های کشور اعص از آزاد، وزارت بهداشت و وزارت علوم. دانشگاه آزاد هم الان دارد زحمت یک سهمی از تولید علم ما را می‌کشد. باید بشنیم روی این موارد فکر کنیم. گزارش ما به شورای عالی انقلاب فرهنگی این بود که اگر این اتفاقات بیفتد، ایجاد انگیزه، نگهداشت نخچیان، زیرساخت‌های فناوری، ارتباطات بین‌المللی، پس من دارم دانه دانه دلایل را برای شما می‌گویم، همه این اتفاقات اگر کنار هم نیفتد، می‌شود همین وضعیتی که هست. نمی‌توانیم در برنامه هفتم به چهاردهم برسیم. همین موقعیت خودمان اگر شرایط اینجوری پیش برود،

قابل حفظ کردن نیست. در برنامه هفتم می‌دانید که پایان برنامه سهم ۲ درصدی از GDP بشود. الان GDP ما ۴۲۰ میلیارد دلار است، آن چیزی که در سطح بین‌الملل با نرخ ارز و فلان و اینها ۴۲۰ میلیارد دلار است. ۲ درصد این را باید بیاوریم؛ چه زمانی تا به حال ۸ میلیارد دلار آورده‌ایم و در پژوهشمان هزینه کرده‌ایم؟ هیچ وقت این کار را نکرده‌ایم. من همین الان به عنوان معاون پژوهشی وزارت علوم و دبیرکل شورا، تعهد می‌کنم که ما پایان برنامه هفتم رتبه سسیزدهم باشیم. دو درصد را به ما بدهند، من همین الان تعهد محضری می‌دهم که رتبه سسیزدهم را پایان برنامه هفتم داشته باشیم، می‌شود پول هشت تا دانشگاه‌ها بروید ببینید اطراف ما چقدر می‌دهند. در عربستان ببینید دانشگاه‌هایشان چگونه است. دو قطر چگونه است. من نمی‌گویم ما اینجا کم داریم، می‌دانم وضعیت مملکت و وضعیت بوجه چگونه است. سرفصل بوجه ما، زندگی‌مان همین است. ۲۰ سال است در سرفصل بوجه داریم می‌رویم و می‌آییم. بوجه‌ای که در کشور ما بسته می‌شود، مشکل دو درصد GDP برای پژوهش و فناوری ندارند. من به شما می‌گویم، اگر اعتقاد نداشته باشیم علم و فناوری کلید پیشرفت کشور است، اگر کسی اعتقاد نداشته باشد، بوجه ما می‌شود همین! می‌گوید بروید حقوق اعضای هیئت علمی‌تان را بدهید، دانشجویانتان را هم بگذارید یک تزی بگذرانند، فلان بکنند، ارتباط بین‌المللی هم حالا نداشته باشید، این کارها را هم نکنید، بروید بالاخره کار خودتان را بکنید که نظام آموزش عالی در این حداقل جاری است. ولی اگر کسی اعتقادش است، شما ببینید چیزهایی که ما داریم در صنایع نظامی می‌بینیم، همه این‌ها بیس علمی دارد، تمام این‌ها از دانشگاه درآمده است. اگر کسی این را نمی‌تواند ببیند، بوجه ما هم می‌شود همین که هست. ما واقعاً پیگیری‌های عجیب و غریبی می‌کنیم، دولت می‌کند برای بوجه پژوهش و فناوری، ولی به نظر من هنوز خیلی‌ها به این اعتقاد نرسیده‌اند که علم و فناوری کلید پیشرفت کشور و کلید اقتدار است. الان حال و هوای همین روزهای ماسمت‌دیگر، این‌ها از کجا آمده؟ از دانشگاه، از پژوهشگاه، از پژوهش و دانش‌بنیان و از آن نظام پیوسته TRL آمده. سعی ما همه‌اش این است که مدیران ارشد را توجیه کنیم که این‌ها چیست. هر وقت هم توجیه می‌کنیم، شش ماه بعد می‌بینی که یکی دیگر را گذاشتند!

در خود فضای دانشگاه و آموزش عالی کجا جوهر داریم؟ در بستر دانشگاه ضعیفی نداریم؟

طبق قانون اساسی تحصیل در کشور رایگان است. دانشجو می‌خواهد بیاید، باید خوابگاه برود، غذا می‌خواهد، الان مشکلات مالی که مبتلا به شده‌است، کجا اثر می‌کند؟ اینکه کلی از بوجه دانشگاه‌های ما برای تحصیل می‌رود، چون باید یارانه‌های عجیب‌و غریب بدهند، کاش می‌رود برای اسکان دانشجویها. البته ما دانشگاه‌های خوب هم داریم که الان درآمدهای اختصاصی بسیار خوبی دارند. من هیئت امنای خیلی از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها هستم. در بعضی از پژوهشگاه‌ایمان سهم درآمد اختصاصی‌شان ۵۰ درصد بوجه شده است. این در تاریخ ایران بی‌سابقه است، که یعنی یک مجموعه پژوهشی ۵۰ درصد بوجه‌ای که به آن داده‌اند، هم در درآمد اختصاصی دارد. الان دانشگاه‌هایی داریم که ۳۰ درصد درآمد اختصاصی از کل بوجه مثلاً یک همت بوجه دانشگاه، ۳۰ درصد درآمد اختصاصی است و اتفاقاً آن‌ها هم هیئت علمی هستند که می‌روید می‌بینید ارتباط بین‌المللی‌شان خوب است و گرتت بهتری دارند می‌دهند. ولی اکثر دانشگاه‌های ما، بالاخره در یک دوره‌ای گسترش آموزش عالی به هر دلیلی در کشور داشتیم؛ این‌ها برای ما هزینه‌بر شده است. الان خیلی از دانشگاه‌های ما بالای ۹۰ درصد بوجه‌شان از قبل هزینه شده است.

فناغ از مباحث مالی، در فرآیندهای علمی‌مان، در تعاملات درون‌دانشگاهی چقدر چالش داریم؟ مثلاً به نظر می‌رسد کار گروهی یا تعاملات بین رشته‌ای مان خیلی محدود است. این موارد چقدر تأثیر دارند؟ به نظر می‌رسد یک بخشی از چالش ما هم درون دانشگاه است و در فرآیندهای پژوهشی مان هم نتوانسته‌ایم خودمان را به‌روز کنیم یا شاید اساتیدمان خیلی تمایل نداشته‌اند.

من با دانشگاه‌ها ارتباط دارم و خودم پژوهش دانشگاه بودم، این فرمایش شما را تأیید می‌کنم که اگر ما بتوانیم فعالیت‌های جمعی بین رشته‌های خود را افزایش دهیم، خیلی می‌تواند کمک کند. یک مثال بزنم، زمانی قبل از اینکه دانشگاه‌های وزارت بهداشت جدا شوند، وقتی من در دانشگاه خودم، دانشگاه شهید بهشتی تحقیق می‌کردم، چون اتفاق رشته خودم بین رشته‌ای است-مقالات من را نگاه کنید، همه‌اش با حوزه داروسازی و پزشکی و این‌هاست- آن موقع‌ها وقتی من یک کاری با دانشکده داروسازی یا پزشکی داشتم، همکارم بغل دستم بود؛ الان باید بروم توی یک دانشگاه دیگر یکسری مصوبات بگیرم که یک طرح مشترک اجرا کنم. یعنی هر وقت ما به سمت تفزق می‌رویم، یک سسری اتفاقات اینجوری هم می‌افتد. یا بارها ما مثلاً آیین‌نامه‌هایی مثل هسته‌های پژوهشی این‌ها را در دانشگاه‌ها دنبال می‌کنیم، اما خوب جالب است که در کشور ما بعضی از کلمات را مرتب استفاده می‌کنیم، ولی راجع به آن‌ها فکر نمی‌کنیم. اسنادیر اسمش اسنادیر است، یعنی کسی که باید به استاد کمک کند، در انگلیسی هم به او می‌گویم اسیستنت پروفسور، یعنی به پروفسور باید اسیست کند، الان به یک اسنادیار بگویی برو در یک گروه با یک استاد کار کن، می‌گوید من بروم با استاد کار کنم؟! هرما هسرم تحقیقاتی. من الان این گروه را دارم. یعنی استاد، دانشیار، اسنادیار، بست دکتری، دانشجوی ارشد؛ این هرم تحقیقاتی است که در دنیا اتفاق افتاده. حالا این هرم بعد می‌رود با یک هرم دیگر دوتایی یک تقبی می‌زنند و با هم‌دیگر کار می‌کنند. پس آن‌هایی در دنیا موفقند که این نظام طبقاتی علم و فناوری را دارند رعایت می‌کنند. ما نمی‌گویم اسنادیار برده استاد است، در جایگاه خودش، استاد باید برود منابع مالی جور کند، قرارداد ببندد، ارتباط برقرار کند. پس من می‌خواهم در تأیید فرمایش شما بگویم در بعضی از دانشگاه‌های ما به خوبی این اتفاق افتاده، در بعضی جاها نیفتاده. مثلاً طرح احمدی‌روشن که الان ما داریم با بنیاد نخچیان همکاری می‌کنیم، یک استاد روی یک موضوع محوری کلی دانشجو و همکار می‌آیند کمک می‌کنند و می‌شود طرح شهید احمدی‌روشن.

البته برخی اساتید معتقدند اتفاقاتی که در وزارت علوم رقم می‌خورد، اتفاقاً کار را سخت‌تر می‌کند. یعنی بروکراسی که بیشتر می‌کنند. ما خیلی بروکراتیک فکر نکردیم. به نظر من خیلی از دانشگاه‌هایمان گرتت کاملاً در اختیار اسناد است. تمام این اختیارات را به استاد داده‌ایم. حالا ممکن است فراز و فرود داشته باشد، ولی احساس من این نیست.

فره‌یختگان

دانشگاه



شنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۳



شماره ۳۰۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۵